

## واکاوی نقش زرتشتیان در اقتصاد دوره قاجاریه

### با تأکید بر تجارتخانه های زرتشتی

مژگان حاجی اکبری<sup>۱</sup>

#### چکیده

پس از ورود دین اسلام به ایران پیروان دین زرتشت موقعیت خود را به نفع مسلمانان از دست دادند. اینان تا دوره قاجاریه با تحمل مشکلات فراوان در ایران حضور داشتند. محدودیت هایی که زرتشتیان با آن مواجه بودند مانع از آن می شد تا بتوانند در امور کشوری نقشی بر عهده داشته باشند، این در حالی است که پارسیان، یعنی هم کیشان زرتشتیان ایران در هند توانستند جایگاهی مناسب برای خود رقم بزنند. پارسیان به خصوص از اوایل قرن ۱۹م/۱۳ق تحت نظارت بریتانیا به لحاظ اقتصادی پیشرفت های فراوانی نمودند. قدرت اقتصادی پارسیان زمینه را برای کمک های آنان به دیگران فراهم نمود و در این بین زرتشتیان ایران هم از آن بهره مند شدند. بنیان تجارتخانه های مهمی چون جمشیدیان، جهانیان و یگانگی در این دوره بیانگر قدرت اقتصادی زرتشتیان در این دوره است.

مسئله مقاله آن است که پیروان زرتشتی در ایران چه نقشی در اقتصاد و بنیان تجارتخانه های عصر قاجار ایفا کردند؟ در این پژوهش تلاش می شود که با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به مطالعات کتابخانه ای به پرسش فوق پاسخ داده شود. یافته های پژوهش حکایت از آن دارد که زرتشتیان ایران در دوره قاجاریه و به خصوص اواخر سلطنت ناصرالدین شاه با کمک مالی انجمن اکابر

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی m.h.akbari1350@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۲۳

هند، توانستند چندین تجارتخانه و صرافی در ایران تأسیس کنند و همچنین نقش بسیار مهمی در حیات سیاسی و اقتصادی دوره مورد نظر ایفا کردند؛ اما رونق تجارتخانه‌ها چندان دوام نیاورد و مداخلات خارجی‌ان از جمله روس‌ها باعث رکود و ورشکستگی آنان گردید.

**واژه‌های کلیدی:** زرتشتیان، قاجار، اقتصاد، بازرگانان، تجارتخانه، بانکداری.



## مقدمه

زرتشتیان در دوران اسلامی ایران تا حد یک اقلیت دینی نزول کردند. با ورود دین اسلام به ایران پیروان زرتشتی یا باید اسلام را می پذیرفتند، یا باید مهاجرت می کردند. گروهی که مهاجرت کردند به پارسیان هند معروف شدند که کمک های آنان در پیشرفت کار زرتشتیان ایران بسیار مؤثر بود. روی کار آمدن حکومت قاجار در ایران با تغییراتی عمده در جهان در زمینه هایی چون قانون گرای، عدالت، تأمین حقوق فردی و نیز ترقی و پیشرفت همراه بود. این تغییرات در میان اقلیت زرتشتی نیز تأثیرگذار بود. زرتشتیان ایران که تا این زمان وضعیت نامطلوب و نامساعدی داشتند با شکل گیری «انجمن بهبود حال زرتشتیان ایران» در هند از سوی هم کیشان آن ها یعنی پارسیان به تدریج موقعیتشان رو به بهبود رفت. در سال ۱۸۸۲/۱۲۹۹ق، با حمایت پارسیان، ناصرالدین شاه فرمانی مبنی بر معافیت آن اقلیت از پرداخت مالیات جزیه صادر نمود. این امر سبب آرامش فکری آنان گردید و از طریق این امتیاز بود که زرتشتیان ایران به ایجاد تجارتخانه ها، بازرگانی، بانکداری و سرمایه گذاری روی املاک پرداختند؛ به گونه ای که تجارتخانه های زرتشتیان در دوره قاجار از مهم ترین بنگاه های اقتصادی ایران به شمار می رفتند. برجسته ترین این تجارتخانه ها جمشیدیان، جهانیان و یگانگی بود. این تجارتخانه ها به امور مختلفی از جمله صرافی، بانکداری و زمینداری می پرداختند و با توجه به اشتها به دستکاری و نیک کرداری، که زرتشتیان بدان معروف بودند، مورد اعتماد مردم و حکومت وقت واقع شدند. با به ثمر رسیدن نهضت مشروطیت، زرتشتیان به عنوان یکی از

اقلیت‌های دینی، ارباب جمشید را که نفوذ اقتصادی زیادی داشت، به نمایندگی خود راهی مجلس شورای ملی نمودند. بدین ترتیب پس از گذشت چندین قرن، جامعه زرتشتی ایران از انزوا بیرون آمد.

شایان ذکر است که نویسندگان زرتشتی و غیر زرتشتی مطالب منسجم، مدون و قابل توجهی در مورد تجارتخانه‌های زرتشتیان نوشته‌اند و منابع این موضوع اغلب نوشته‌هایی پراکنده است که از میان آن‌ها می‌توان مطالبی به دست آورد. دلیل این توجه به تجارتخانه‌ها هم بیشتر سیاسی بوده است. از مورخان زرتشتی رشید شهردان در کتاب‌های *فرزندگان زرتشتی و تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان و جهانگیر اشیدری در تاریخ پهلوی و زرتشتیان به صورت غیر منسجم* به این موضوع پرداخته‌اند. هدف این مقاله تشریح اوضاع اقتصادی زرتشتیان و نقش آنان در اقتصاد دوره قاجار و نیز نحوه شکل‌گیری و شروع به کار این تجارتخانه‌ها، زمینه‌های فعالیت آنان و علت رکود و ورشکستگی آن‌ها در دوره قاجار است.

#### ۱. ارباب جمشید و تجارتخانه جمشیدیان

ارباب جمشید جمشیدیان در سال ۱۲۶۷ق/۱۲۲۹ش در شهر یزد و در خانواده‌ای زرتشتی به دنیا آمد. پدرش او را در سن یازده سالگی برای کار در تجارتخانه ارباب رستم به او سپرد و تا سن بیست سالگی در آنجا مشغول به کار بود. سپس برای خودش تجارتخانه کوچکی در بروجرد و بندرعباس ایجاد نمود و به تجارت لباس و پارچه و منسوجات و... مشغول گردید. پس از مهاجرت به

تهران در سال ۱۲۹۰ق، در سرای مشیرخلوت در حجره ای به کارهای تجاری، صرافی و بانکداری مشغول به فعالیت شد(اشیدری، ۱۳۵۵: ۳۷۸؛ شهردان، ۱۳۶۳: ۴۳۲-۴۳۳). بدین ترتیب او به تدریج از تجار عمده و معروف بازار تهران شد و موفق گردید تا شعبه هایی از تجارتخانه خود (تجارتخانه جمشیدیان) را در بیش از ۱۲ شهر کشور دایر کند و بعدها شعبه هایی از این تجارتخانه را در بغداد، بمبئی، کلکته و پاریس نیز تأسیس نمود(ترابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۷۵). او در عین حال که بسیار ثروتمند و در نتیجه صاحب نفوذ بود، بسیار هم سخی و بخشنده بود: «روزی بیش از صد نفر بر سفره او حاضر بودند و هفته ای یکروز در منزل او حدود چهارصد یا پانصد نفر بینوایان به ردیف می نشستند و ارباب با دست خود به هر یکی یک ریال بخشش می کرد»(شهردان، ۱۳۶۳: ۴۳۲).

جکسن (*Andrew Jackson*) سیاح آمریکایی درباره وی می نویسد: «صراف توانگری است و صاحب صدها هزار تومان ثروت. در دربار سلطنتی ایران صاحب نفوذ و به رسمیت شناخته شده است. نزدیکی او با دربار باعث جلوگیری از فشار هیأت حاکمه به زرتشتیان است. چرا که عرایض و شکایات آنها را به نظر شاهنشاه می رساند. مسلمانان به درستی او اعتقاد دارند و صرافان و بازرگانان دیگر ایران، به قدر او طرف توجه و اطمینان نیستند.»(جکسن، ۱۳۵۲: ۴۲۶).

ارباب جمشید در سال های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ق به عنوان تاجر معتبر با ناصرالدین شاه قاجار ارتباط پیدا کرده و به دربار او راه یافت. از آن زمان تا پایان حکومت قاجار وی با دربار قاجاریه مراوده داشت و در دربار مظفرالدین شاه نیز منشاء خدمات بسیاری به شاه و درباریان بود. از جمله جمشیدآباد (جمالزاده

کنونی) را که از جمله املاک شخصی وی بود، به عنوان تفرجگاه در اختیار شاه و اهالی حرمش می‌نهاد و هرگاه شاه به آنجا می‌رفت ارباب جمشید به وی سینی اشرفی تقدیم می‌کرد. در نتیجه همین قبیل خدمات، مظفرالدین‌شاه در سال ۱۳۲۱ق وی را به لقب رئیس‌التجاری و دریافت نشان و جبه و شال سرفراز کرد. (اشیدری، ۱۳۵۵: ۳۷۸) وی در صرافی خود به امور مالی درباریان و دولتمردان نیز می‌پرداخت و با بسیاری از آن‌ها، از جمله با میرزا علی‌اصغر خان اتابک اعظم (معروف به امین السلطان)، رابطه نسبتاً دوستانه‌ای داشت. از جمله وقتی اتابک معزول و به قم تبعید گردید دست کمک به طرف ارباب جمشید دراز کرد و ارباب جمشید به شعبه تجارتخانه خود در قم نوشت که، اتابک تا صد هزار تومان اعتبار دارد و در صورت مراجعه به او پرداخت شود (مهر، ۱۳۴۸: ۹). ارباب جمشید در کنار تجارت در زمینه ترانزیت کالا نیز فعالیت داشت و انواع و اقسام کالاها را که شامل توپ‌های جنگی و فشنگ هم می‌شد در اقصی نقاط کشور به خصوص جنوب ایران حمل و نقل می‌کرد. (مغیث السلطنه، ۱۳۶۲: ۷۶-۷۹) همچنین در سال ۱۳۲۶ق از طرف محمدعلی شاه قاجار به مدت ۱۰ سال به ریاست مخزن دولتی منصوب گردید. در این زمان او لباس قشون، اعم از قزاقخانه و سربازخانه، را تأمین می‌کرد. (اشیدری، ۱۳۵۵: ۳۷۹؛ سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره: ۲۴۰۰۰۰۴۳۴) او همچنین در امر کمک به مدرسه علوم سیاسی که مشیرالدوله تاسیس کرده بود بسیار اهتمام می‌ورزید. مدرسه علوم سیاسی مبلغی پول به صورت امانت به ارباب سپرده بود و ارباب هم از سود آن

سپرده مخارج مدرسه را تامین می‌کرد. (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره: ۳۶۰۰۷۷۷۷)

### ۱.۱. انقلاب مشروطه و نقش ارباب جمشید

ارباب جمشید همکاری چندانی با مبارزان راه مشروطیت نداشت. در دوم جمادی‌الاول ۱۳۲۴ق که دومین تحصن علیه مظفرالدین شاه به دلیل عملی نشدن خواسته‌های پیشین صورت گرفت، روحانیون به رهبری سیدین به سوی قم حرکت نمودند و در حرم حضرت عبدالعظیم بست نشستند. در هنگام مهاجرت، آیت الله بهبهانی و آیت الله طباطبایی متوجه کم پولی‌شان شدند و تعدادی را به شهر فرستادند تا به هر طریقی که بتوانند وجوهی را تهیه نمایند. میرزا محمد صادق، پسر آیت الله طباطبایی از جمله ان اشخاص بود. او ابتدا به سراغ بانک روس رفت؛ اما بانک در عوض قرض گرو خواست، پس ناامید به سوی ارباب جمشید رفت. به گفته ناظم الاسلام کرمانی او هم قبول نکرد و ترس از عین-الدوله را بهانه نمود و گفت: «اگر پولی هم بدهید که حواله و برات بدهم، قبول نخواهم کرد» (کرمانی، ۱۳۶۲: ۲۶۳). اما شهردان و کاتوزیان معتقداند که مقارن نهضت مشروطه، او کمک مالی بسیاری به مشروطه‌خواهان کرد؛ و از جمله پارک جمشیدآباد (جمالزاده کنونی) را در موقع ورود ستارخان و باقرخان و شاهسون‌ها محل سکونت و پذیرایی از آنان قرار داد. تنها یک فقره از کمک‌های او به مشروطه‌طلبان، پرداخت بیست هزار تومان بود. همچنین در اوج درگیری‌های مشروطه‌خواهان با نیروهای حامی استبداد، به دستور وی اسلحه و مهمات را در عدل‌های پارچه و پنبه جاسازی می‌کردند و از بوشهر به تهران می‌-

فرستادند. ارباب جمشید در زمان تحصن بازرگانان و بازاریان تهران در سفارت انگلیس برای حمایت از مشروطه، به واسطه حاج محمدتقی بنکدار هشت هزار تومان برای تأمین هزینه‌های تحصن کنندگان پرداخت کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۱۰-۲۰۹؛ شهردان، ۱۳۶۳: ۴۴۰).

### ۲.۱. ارباب جمشید؛ نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی

پس از آنکه مظفرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۲۴ق فرمان مشروطیت را امضا کرد، موضوع ورود اقلیت‌های مذهبی به مجلس شورای ملی مطرح شد. البته آرامنه و کلیمیان دفاع از حقوق خود را بر عهده آیت‌الله سیدمحمد طباطبائی و آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی گذاشتند، اما زرتشتیان خواستار کسب یک کرسی در مجلس شدند، که با آن موافقت شد و ارباب جمشید به عنوان اولین نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی برگزیده شد (تقی زاده، ۱۳۳۶: ۱۱). البته در دوره دوم مجلس، ارباب جمشید به سبب گرفتاری‌های شغلی و بیماری، حاضر به پذیرش وکالت مجلس نشد و میرزاکیخسرو شاهرخ (که بعدها به ارباب کیخسرو شاهرخ معروف شد) را به جانشینی خود معرفی کرد و زرتشتیان نیز، به پیروی از وی، به کیخسرو شاهرخ رأی دادند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۲۸-۲۲۶).

### ۳.۱. تلاش برای تأسیس بانک ملی

از مهم‌ترین مواردی که در مجلس اول در مورد آن اقداماتی صورت گرفت ولی به نتیجه نرسید، تلاش مجلسی‌ها برای تأسیس بانک ملی ایران بود. در ۱۰ شوال ۱۳۲۴ق تجار عضو مجلس و خارج از آن، در اطلاعیه‌ای قصد خود را برای



تأسیس بانک ملی ایران اعلام کردند و قرار شد تا زمان تأسیس بانک، مردم پول-های شان را به چند فرد مشخص از جمله ارباب جمشید، معین التجار و حاجی محمد اسماعیل تحویل دهند و رسید دریافت کنند (کسروی، ۱۳۸۴: ۱۸۹-۱۹۲). این امر مقدمه تأسیس بانک ملی ایران بود و پس از چندی ارباب جمشید را به تکاپو برای تأسیس این بانک ایرانی واداشت. تجارتخانه جهانیان هم از پیشگامان ایجاد بانک ملی بود. پیش بینی می شد که با دعوت عده ای از بانکداران پارسی هند این اندیشه عملی شود؛ ولی قتل ارباب پرویز شاهجهان در ۱۳۲۴ق/۱۹۰۷م نه تنها جهانیان را ناامید کرد، بلکه پارسیان را هم از اقدام احتمالی شان منصرف نمود. این اقدام حتی علما را عزادار ساخت (شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۶۹).

#### ۴.۱. چگونگی ورشکستگی ارباب جمشید

در باب چگونگی ورشکستگی ارباب جمشید باید گفت که وی مدت زیادی با بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی انگلیس معامله می کرد و خطراتی را که معاملات غیرمنقول برای مؤسسات صرافی داشت نادیده می گرفت. شعبه های تجارتخانه ارباب جمشید در سراسر ایران علاوه بر فعالیت های بازرگانی کارهای بانکی را نیز انجام می دادند، طوری که به زودی به صورت رقیبی برای بانک های خارجی فعال در ایران یعنی بانک شاهلی انگلیس و بانک استقراضی روس درآمد و از طرفی صرافان و تجار بزرگی همچون او از رقبای اصلی بانک های شاهنشاهی انگلیس و استقراضی روس در ایران به شمار می آمدند. به همین دلیل این بانک ها در صدد برآمدن اقداماتی علیه ارباب جمشید انجام بدهند و چون ارباب جمشید در حدود سیزده میلیون تومان از بانک استقراضی و دو میلیون

تومان از بانک شاهنشاهی وام گرفته بود، این بانک‌ها دستاویز مناسبی علیه او در دست داشتند و بدین ترتیب در سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۲م بانک استقراضی روس بهانه طلب از تجارتخانه «بدون اطلاع از تجارتخانه و اظهار به دولت علیه ایران مستقیماً بدون جهت و غیر حق و با وجود داشتن تأمین، خودسرانه شعبات تجارتخانه را در ایالات و ولایات توقیف و پاره‌ای از املاک را تصرف نمود» (چهره نما، ۱۳۸۵: ج ۴/۱۰). ارباب جمشید توان پرداخت این مطالبات را به رغم حمایت‌های دولت وقت از او و مصادره بخشی از اموالش همچون تجارتخانه‌های او در کرمان و اصفهان و همین‌طور پارک اختصاصی اش یعنی پارک اتابک (که بعدها به سفارت روس تبدیل شد) را نداشت و نهایتاً پس از مقاومت‌های فراوان اعلام ورشکستگی نمود. ارباب جمشید، پس از اعلام ورشکستگی، فاضل عراقی را به وکالت خود انتخاب کرد و به منظور معوق ماندن پرونده مبالغی رشوه داد؛ اما با افزایش شکایت‌ها دولت مجبور به رسیدگی شد و دادگاه در ۱۱ دی ماه ۱۳۰۲ش وی را محکوم به پرداخت مطالبات مردم کرد و اندکی بعد او و وکیلش را به جرم پرداخت رشوه بازداشت کردند. (چهره نما، ۱۳۸۵: ج ۴/۱۴-۱۲). بدین ترتیب بود که مهم‌ترین تجارتخانه زرتشتیان ایران در دوره قاجار راه خود را به سوی نیستی پیمود؛ در حالی که هیچ خطایی انجام نداده بود و فقط دخالت یک نیروی خارجی و بیگانه به نام بانک استقراضی روس علت اصلی آن بود. ارباب جمشید مدتی در بازداشت به سر برد و بعد از آن نیز تا آخر عمر خویش درگیر امور وزارت عدلیه بود. ارباب جمشید، پس از آزادی، تقریباً تمام ثروتش را از دست داده بود. سرانجام وی در ۱۶ دی ماه

سال ۱۳۱۶ش پس از ۸۲ سال زندگی و در حالی که از مال دنیا چیز چندانی برایش باقی نمانده بود، درگذشت.

## ۲. بنگاه تجارتي برادران شاهجهان (جهانيان)

ارباب خسرو پور شاهجهان، بازرگان ساکن محله شهریاری یزد بود که به همراه برادران خود پرویز، رستم، گودرز و بهرام تجارتخانه جهانیان را در سال ۱۳۱۲ق/۱۸۹۴م بنیاد نهاد که از موفق‌ترین تجارتخانه‌های دوران قاجار به شمار می‌رفت. این تجارتخانه در نقاط مختلف ایران شعبه داشت و با تشکیلات منظم خود با هند، انگلیس و آمریکا روابط تجاری برقرار می‌کرد و نخستین بنگاهی بود که محصولات صادراتی کشور از جمله پنبه عدل بندی شده توسط ماشین را به بازار دنیا عرضه کرد (تاریخچه سی‌ساله بانک ملی، ۱۳۳۸: ۵۰؛ اشرف، ۱۳۵۹: ۷۸). تجارتخانه جهانیان در امور عمرانی کشور نیز سرمایه‌گذاری می‌کرد که از آن جمله نقش آن در تشکیل و راه‌اندازی شرکت تلفن ایران بود. تلفن در ایران در نخستین دهه قرن ۱۴ق و پیش از سال ۱۳۰۶ق به صورت محدود شروع به کار کرد. بنگاه جهانیان همواره مورد اعتماد دربار و عمال دولت و بازرگانان ایران قرار داشت. به گونه‌ای که چون در سال ۱۳۲۰ق/۱۹۰۱م مظفرالدین شاه یازده میلیون روبلی را که از روسیه قرض گرفته بود بر باد داد، از صرافی‌های داخلی مانند جمشیدیان و جهانیان پول گرفت (تقی زاده، ۱۳۳۶: ۱۱۸). تجارتخانه جهانیان در حفر قنوت و آباد کردن روستاهای اطراف یزد، نیز فعالانه وارد عمل شد و روستاهای چندی مانند خسروآباد و شاهجهان آباد را در یزد، رفسنجان و کرمان احداث نمود.

تجارتخانه جهانیان ضمن تجارت به امر کشاورزی و ملکداری نیز اشتغال داشتند. همچنین آنها در ترانزیت گندم، اسلحه و پرداخت بخشی از حقوق پرسنل نظامی کشور دخیل بودند و اولین چک تضمینی غیر دولتی در ایران را که متعلق به این شرکت بود، رواج دادند (احتشامی، ۱۳۷۹: ۴۸؛ امینی، ۱۳۸۰: ۵۱۷-۵۱۸). خوش نامی اداره‌ها و شعبه‌های تجارتخانه به حدی بود که رسید صندوق آن چون اسکناس اعتبار داشت و دست به دست می‌گشت و بین مردم ایران که چندان به اسکناس بانک شاهنشاهی انگلیس تمایل نشان نمی‌دادند، رواج کامل داشت. این امر باعث شد که مدیران بانک روس و انگلیس با حمایت مقامات سیاسی خود، وسایل سقوط آنها را فراهم آورند. تجارتخانه جهانیان نیز با روس‌ها درگیر شد. چون این تجارتخانه ۲۴/۰۰۰ تومان از شخصی به نام فرامریان پارسی طلب داشت، بر حسب حکم حکومت و وزارت امور خارجه قرار شد در عوض آن طلب، املاکی از فرامریان در اصفهان توقیف شود. چنین شد، اما روس‌ها این املاک تأمین را توقیف کردند.

## ۱.۲. بنگاه جهانیان و تأسیس بانک ملی و مدرسه سازی

در آغاز سلطنت مظفرالدین شاه و در اولین دوره مجلس شورای ملی که می‌خواستند بانک ملی تأسیس کنند، تجارتخانه جهانیان از پیشگامان این امر بود. آنان به همراه تجارتخانه جمشیدیان و نیز با دعوت و همیاری عده‌ای از بانکداران پارسی هند تصمیم به این کار گرفتند. اما از آنجا که این اقدام مخالف سیاست‌های بیگانگان و منافع آنها بود، برای ترساندن پارسیان هند و نزدیک نشدن آنها به امور ایران، دست به اقداماتی زدند. از جمله آن‌که در سال

۱۳۲۴ق، پرویز شاهجهان مدیر تجارتخانه را در یزد به قتل رساندند. روزنامه گجراتی «جام جمشید» و روزنامه انگلیسی «تایمز بمبئی» در این مورد و عدم تأمین جانی در ایران مقاله‌هایی نوشتند و موضوع تشکیل بانک مسکوت ماند(شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۶۹).

ارباب خسرو شاهجهان یکی دیگر از برادران جهانیان، در سال ۱۳۲۱ق، دبستان دخترانه‌ای را از طرف تجارتخانه جهانیان ایجاد نمود که تا سال ۱۳۰۷ش و تشکیل دبیرستان دخترانه مارکار و پیوستن به آن، به تعلیم و تربیت دختران زرتشتی مشغول بود. سپس در سال ۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م، دبستان پسرانه خسروی را تأسیس نمود و با مبلغی هنگفت به امر تعلیم و تربیت دختران و پسران زرتشتی در یزد پرداخت. از آنجا که خسرو شاهجهان فرزند پسر نداشت، یک دبستان پسرانه هم در یزد تأسیس کرد و آن را دبستان خسروی نامید. هزینه اداره مدرسه را هم از اوقافی که به نام مدرسه نموده بود تأمین می‌کردند(شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۷۰). همچنین برادر دیگر بنام ارباب بهرام در موقع فتح تهران به دست مشروطه‌خواهان، یکی از کسانی بود که خزینه و جواهرات سلطنتی را برای نگه داری به وی سپردند و این امر حاکی از درجه بالای اعتماد مردم به آنها بود.

### ۳.۲. جهانیان و نقش آنها در انقلاب مشروطه

در زمان مبارزات مشروطه خواهان بر ضد استبداد محمدعلی شاه، بنگاه جهانیان با کمک به مشروطه‌خواهان از آنها حمایت می‌کرد. یکی از این کمک‌ها رسانیدن اسلحه به آنها بود، همان کاری که بنگاه بازرگانی ارباب جمشید هم انجام می‌داد. شعبه تهران بنگاه جهانیان توسط فردی بنام فریدون خسرو اهرستانی ملقب به

گل خورشید اداره می‌شد. او در جریان توزیع اسلحه بین مجاهدان با عده‌ای کثیر از آنها رابطه پیدا کرده بود و گاهی در جلسات مخفی آنها شرکت می‌کرد. او تسلیحاتی را که از روسیه و بصورت قاچاق وارد می‌شد دریافت کرد و بین مجاهدان توزیع می‌کرد. به هرکسی که توسط انجمن مخفی مجاهدان معرفی می‌شد، یک قبضه تفنگ و یکصد فشنگ تحویل می‌داد. هزینه این دست و دلبازی را هم بنگاه جهانیان می‌پرداخت (تفرشی حسینی، ۱۳۵۱: ۶۹).

از طرفی محمدعلی شاه برای هزینه‌های جاری خود مجبور به استقراض از بانک استقراضی روس گردید، اما بانک به وی اعلام کرد که بدون وثیقه وام نمی‌دهد. محمدعلی شاه هم به ناچار زیرپوش مروارید دوز مادرش را گروهی بانک گذاشت و وام گرفت. این خبر توسط عواملی از درون دربار به گوش فریدون زرتشتی رسید و او نیز آن را با اطلاع مجاهدان رسانید. مزدوران و اوباشانی که محمدعلی میرزا پیرامون خود گردآورده بود از ماجرا خبردار شده و به امر دربار شبانه به منزل فریدون زرتشتی ریختند و او را به قتل رساندند. احمد کسروی این واقعه را این گونه روایت می‌کند: «... و در شب چهارشنبه هفدهم دی ماه هشت تن از آنان [اراذل و اوباش] به خانه فریدون زرتشتی که یکی از بازرگانان می‌بود، رفته و آن بیچاره را بیدار گردانیده نخست ۵۶۰ تومان پولش را گرفته و سپس در برابر چشم زنش با قمه او را کشتند.» (کسروی، ۱۳۸۴: ۵۴۷).

پس از قتل فجیع فریدون زرتشتی، آزادی‌خواهان سخت به تکاپو افتادند و آشکارا نسبت به شاه بدگویی می‌کردند و زرتشتیان هم دست از کار کشیده و مجدداً خواستار مجازات عاملان آن قتل شنیع شده بودند. شعاع السلطنه برادر

شاه و عضدالملک قاجار رییس ایل قاجار با محمدعلی شاه گفتگو کردند و به او فهماندند که عاقبت بدرفتاری با مردم نه تنها برای او بلکه برای بقای سلطنت در خاندان قاجاریه سخت خطرناک خواهد بود. در نتیجه محمدعلی شاه فرمان داد که اوباشان را دستگیر و مجازات کنند. ظفرالسلطنه وزیر جنگ و حاکم تهران مأمور آن کار شد و پنج نفر از هشت نفر را به اسامی: خسروخان مقتدر نظام، اسماعیل خان، سیدمحمد خان، صنیع حضرت و سید کمال دستگیر و زندانی شدند. آن‌ها در دادگاه محاکمه شدند. (کسروی، ۱۳۸۴: ۵۵۰)

بعد از این وقایع خسرو شاهجهان که برای دادخواهی به تهران آمده بود نزد محمدعلی شاه رفته و عریضه‌ای تنظیم و تقدیم کرد و خواهان خونخواهی فریدون گردید. شاه هم به وی اعلام کرد که اگر دست از مبارزه برندارد همانند فریدون مقتول خواهد گشت. خسرو هم به ناچار از ایران گریخت و به لندن رفت. بعد از خلع محمدعلی شاه از سلطنت، احمدشاه با دادن تأمین جانی به وی از او خواست تا به کشور بازگردد (شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۷۲). او نیز قبول کرد و به ایران آمد. ارباب خسرو شاهجهان در نهایت در سال ۱۳۳۴ ق درگذشت.

### ۳. تجارتخانه یگانگی و ارباب رستم گیو

علاوه بر این دو تجارتخانه مهم، تجارتخانه یگانگی زرتشتیان در تهران به کارهای تجارتمی پرداخت. این تجارتخانه نسبت به دو مورد قبل ناشناخته تر است. از زمینه‌های فعالیت این شرکت، تجارت اسلحه بود که از کشور های اروپایی خریداری و وارد ایران می نمودند. این تجارت بیش تر زمینی و از راه

روسیه بود که همواره با مشکل روبرو می‌شد؛ چرا که روس‌ها بنا بر مصلحت خود مانع ورود اجناس و کالاها به خاک ایران می‌گردیدند.

در نتیجه، برای رفع توقیف کالاها تجار ایرانی به ویژه زرتشتی ناچار می‌شدند از وزارت امور خارجه تصدیق نامه بگیرند (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۲۹، کارتن ۵۴، پرونده ۲۲، برگ ۰۰۳ و ۰۰۲).

از جمله شرکای مهم شرکت یگانگی، ارباب رستم گیو بود. تقریباً از اواسط دوران ناصری تا سقوط قاجار، خانواده ارباب رستم امور گاریخانه‌های تهران، قم، کاشان و اصفهان به صورت منظم انجام می‌دادند (معتضد، ۱۳۶۶: ۶۴۰). در دوران جنگ جهانی اول، راه تهران- قم بسیار ناامن بود؛ به گونه‌ای که «مسافرت از تهران تا اصفهان به مراتب از سفر آمریکا یا اقیانوسیه مشکل تر و خطرناک تر بود». در منطقه بین قم- کاشان سواران نایب حسین کاشی ابتکار عمل را در دست داشتند و عبور و مرور را کنترل می‌نمودند و بدون همراهی آنها عبور از این منطقه دشوار بود و خطرات زیادی داشت (بهرامی، ۱۳۶۳: ۳۲۶-۳۲۸). کاروان‌های تجاری و غافله‌ها با دیدن ناامنی راه سعی می‌نمودند که از مسیرهای دیگر عبور کنند که سواران نایب در آنها تسلطی نداشتند. وسایل نقلیه دستگاه پستی این مسیر را که تعداد آن هم چندان زیاد نبود، ارباب رستم زرتشتی اداره می‌کرد و هفته‌ای یک گاری، مراسلات و بسته‌ها را از تهران به اصفهان می‌رسانید. علاوه بر دستگاه پستی، ارباب رستم چند کالسکه هم داشت که در این مسیر به مسافران یا مأموران کرایه می‌داد؛ چرا که با نایب حسین کاشی قراردادی داشت که برای او و اتباعش اشیای لازم را به کاشان حمل کند و در عوض به او



تأمین داده شود که در قلمرو نایب در امان و محفوظ باشد (بهرامی، ۱۳۶۳: ۳۲۹-۳۳۰).

علاوه بر این، ارباب رستم به کارهای تجاری نیز می‌پرداخت و با دولت شریک می‌شد. او در زمان مورگان شوستر، واسطه معامله دولت برای خرید اسلحه از آلمان گردید و توانست با مبلغ ۲/۶۰۰ تومان دریافتی از دولت در حدود ۱۵۰ عدد موزر و ۳۰ هزار عدد فشنگ بخرد؛ اما در حمل آن به ایران که از طریق راه آهن می‌بایست صورت می‌گرفت، با مشکلاتی روبرو گردید. حمل این سلاح‌ها زمینی و از طریق روسیه بود؛ اما چون در آن زمان رابطه ایران با روسیه با واسطه اولتیماتوم روس (۱۳۳۰ق/۱۹۱۱م) نامشخص بود، دولت روسیه مانع گردید تا این سلاح‌ها به ایران حمل شود. پس راهی نماند جز این که سلاح‌ها به کارخانه آن در آلمان بازگردانده شود. در پی این اقدام کمپانی یگانگی به شوستر اطلاع دادند که اقدامات لازم را به انجام برساند که به دلیل بی‌توجهی او و اخراجش عملی نگردید و حتی پیشنهادهای تجارتخانه هم در این زمینه رد شد. مدتی به این ترتیب سپری شد تا اینکه کارخانه اطلاع داد که فشنگ‌ها در حال خراب شدن است؛ بنابراین تجارتخانه از دولت درخواست نمود تا فشنگ‌ها را به میزان نازلی به خود کارخانه واگذار کند تا از بابت وجه بیمه و... محسوب شود و موزرها هم به حال خود باقی ماند. (امینی، ۱۳۸۰: ۵۳۹-۵۴۰).

دولت و خزانه دار کل راه حل تجارتخانه یگانگی را نپذیرفتند. آن‌ها به واسطه معامله، یعنی ارباب رستم اشاره نمودند و او را متهم به دغلكاری کردند. تجارتخانه ضمن رد این ادعا عنوان نمود که تجارتخانه پی‌گیر کارها بود و در

دوران خزانه‌داری مسیو مرنارد، این فقرات را به عنوان راه حل به خزانه‌داری پیشنهاد نموده است:

۱. تمدید و تجدید اجازه ورود اسلحه که هر زمان ممکن شد برای دولت حمل کنند. ۲. تأدیة باقی قیمت اسلحه و حواله دادن تجارتخانه به کارخانه برلن که عین صندوق‌های اسلحه را به نماینده دولت ایران تحویل بدهند. ۳. اجازه حراج کردن که در برلن پولش به دولت برسد. ۴. تنخواهی که از این بابت به تجارتخانه داده شده بود پس بدهند و اسلحه به خودشان واگذار گردد و اجاره نامه داده شود که در موقع وارد کنند. در مقابل خزانه‌داری کل جوابی به تجارتخانه نداد. (امینی، ۱۳۸۰: ۵۴۲-۵۴۳)

مدتی بعد خزانه‌داری کل طی نامه‌ای به تجارتخانه از تنزیل پول داده شده گذشت و اصل آن را خواست. در ضمن تهدید کرد که در صورت عدم پرداخت مبلغ مذکور «خزانه داری کل مجبور خواهد بود که این وجه را در کمال سختی مطالبه کند». (امینی، ۱۳۸۰: ۵۴۲-۵۴۳) در جواب این ادعای خزانه‌دار کل، تجارتخانه یگانگی اقداماتی را که برای حمل این محموله‌ها انجام داده بود، به وزارت مالیه یادآور شد: «مکرر موسیو مرنارد، خزانه‌دار و غیره پیشنهاد کرده اجازه بدهند از طریق بنادر دیگر حمل شود. متأسفانه تمام به مسامحه گذاشته و اجازه ندادند و موقع جنگ هم موانع عمومی پیش آمد و راه چاره بسته شد و به همان حال باقی است تا جنگ خاتمه یابد». (امینی، ۱۳۸۰: ۵۴۶-۵۶۷) چنانکه ملاحظه شد باز هم روس‌ها با مداخلات خود باعث وارد آمدن خسارت به این تجارتخانه شدند و زمینه را برای اضمحلال آن فراهم نمودند. این تجارتخانه

همچنان باقی بود؛ به گونه‌ای که آگهی‌های تبلیغاتی کمپانی یگانگی پارسیان در روزنامه‌های اواخر دوره قاجار به چشم می‌خورد که مردم را برای خرید فرا می‌خواند. شعبات این تجارتخانه در تهران به ترتیب در دلان امین الملک، جنب سبزه میدان و شعبه سوم در مقابل شمس العماره قرار داشت. (رعد، س ۶، ش ۵۱: ۴)

#### ۴. اقدامات ارباب کیخسرو شاهرخ

ارباب کیخسرو شاهرخ را می‌توان بزرگ‌ترین شخصیت تاریخ معاصر زرتشتیان ایران دانست. بسیاری از اصلاحات، اخذ امتیازات قانونی و پیشرفت‌های دوران معاصر زرتشتیان به همت و تلاش او صورت گرفته است و او را علاوه بر این‌که به عنوان یک شخصیت مهم زرتشتی می‌توان شمرد، به خاطر فعالیت‌های سیاسی‌اش می‌توان از او به عنوان یک شخصیت مهم سیاسی نیز یاد کرد. ارباب کیخسرو شاهرخ در سال ۱۲۸۰، در کرمان به دنیا آمد. پدرش شاهرخ فرزند اسکندر بود. او و برادر بزرگ‌ترش به نام رستم، در مکتب‌خانه‌ای که پسر عموی پدرشان به نام ملا مرزبان در کرمان تأسیس کرده بود، دروس ابتدایی را آموختند.

آن‌گونه که ارباب کیخسرو در خاطراتش می‌نویسد در ابتدای جوانی چیز زیادی از دین زرتشتی که دین اجدادی وی بوده نمی‌دانسته است و در دیداری که با یکی از علمای مسلمان پیدا می‌کند به دین خود علاقه مند می‌شود. کیخسرو در جوانی پس از بازگشت از بمبئی به کمک یکی از افراد فامیلش به نام جمشید جهان‌گیر سه مدرسه دخترانه در شهر کرمان، یکی در قبه سبز، دیگری در دروازه ناصریه و سومی در محله شهر و به کمک افراد دیگر سه مدرسه پسرانه یکی در پاراموتون، دیگری در قنات غسان و سومی در اسماعیل آباد جوپار تأسیس

می‌کند و سرپرستی آموزش در آن مدارس را خود به عهده می‌گیرد. پس از ده سال با کمک جامعه زرتشتی مدرسه ملی بزرگ بیرون از دروازه ناصریه کرمان را تأسیس و سرپرستی و تعلیمات آن مدارس را خود به عهده می‌گیرد. در کرمان اولین اقداماتش مربوط به رفع نواقص مدارس زرتشتیان بود. او اولین کسی بود که لباس متحد الشکل برای شاگردان مدارس زرتشتی ترتیب داد و اگرچه با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد، اما مقاومت کرد تا موفق شد. همین رویه را در مورد خود زرتشتیان کرمان نیز انجام داد. این در حالی بود که حدود ۲۵ سال بعد، ماجرای تغییر لباس در یزد صورت گرفت (امینی، ۱۳۸۰: اسناد شماره ۲۷۵ تا ۳۱۵، ۴۴۵-۴۱۲) در کرمان همچنین ضمن تأسیس مدارس چند در محلات مختلف، در تأسیس مجدد «انجمن زرتشتیان» آن‌جا نقش داشت. کیخسرو در سال ۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م، پس از ۲۳ سال فعالیت در کرمان سفری به روسیه نمود و سپس به تهران آمد و در تجارتخانه ارباب جمشید مشغول به کار شد (اشیدری، ۱۳۵۵: ۳۸۶). او از سال ۱۳۲۵ق، عضو انجمن زرتشتیان تهران شد و در نوشتن اساسنامه انجمن نقش اساسی داشت. در این زمان به دلیل نیاز شدید جامعه زرتشتی به آموزشگاه‌های پسرانه و دخترانه، از ارباب جمشید تقاضای اهدای مدرسه کرد و ارباب جمشید در سال ۱۳۲۵ق، اسناد زمین مدرسه جمشید جم را به انجمن زرتشتیان تهران اهدا کرد.

اشتغال ارباب کیخسرو به کار در تجارتخانه ارباب جمشید مقارن با ایام انقلاب مشروطیت بود و با تلاش‌هایی که زرتشتیان کردند، توانستند یک کرسی نمایندگی در مجلس شورای ملی را احراز کنند. فعالیت سیاسی ارباب کیخسرو

نیز از همین ایام آغاز گردید. ارباب جمشید به واسطه گرفتاری های متناوب مالی و تجاری، و همچنین روحیه سازش کاری و ضمناً کم سوادی، در مجلس اول برای احراز حقوق اجتماعی زرتشتیان از خود حرکتی بروز نداد، در عوض ارباب کیخسرو این نقش را بر عهده گرفت و با تلاش هایی که صورت داد توانست این حق را از مجلس اول که «تبعه ایران در مقابل قانون متساوی الحاقی» بگیرد (کسروی، ۱۳۸۴: ۳۱۶-۳۱۵). تلاش های او در فعالیت های سیاسی به نتیجه رسید و او از دوره دوم مجلس شورای ملی (۱۲۸۸ ش/ ۱۳۲۷ ق) رسماً به جای ارباب جمشید نمایندگی زرتشتیان را بر عهده گرفت. از همان آغاز فعالیت در مجلس شورای ملی، ریاست کارپردازی مجلس را به او واگذار کردند و تا پایان عمر (۱۳۱۹ ش) که در مجلس شورای ملی نماینده زرتشتیان بود، این سمت را نیز دارا بود. در تمام این مدت به واسطه نفوذی که داشت و همچنین با تسلط، اقتدار و آگاهی که نسبت به شغل خود احراز کرده بود، اعتماد دوست و بیگانه را نسبت به خود جلب نمود. در طول حیات سیاسی- فرهنگی خود به عضویت «انجمن آثار ملی» درآمد و در ساختن آرامگاه فردوسی در توس و برگزاری جشن هزاره فردوسی نقش فعال داشت. هنگام تأسیس «شرکت تلفن» ریاست آن را داشت، برای مدت زمانی «ریاست و نظارت اداره راه آهن» را عهده دار شد؛ «کتابخانه» و «چاپخانه» مجلس را به راه انداخت و در سال های قحطی نان در تهران «ریاست انبار غله» را به او واگذار کردند. همچنین او درگیر فعالیت های سیاسی گسترده ای نیز بود. برای نمونه او اولین کسی بود که علیه قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلستان اعلامیه منتشر کرد و همچنین در جریان خروج

بخشی از جواهرات سلطنتی از کشور واکنش نشان داد (اشیدری، ۱۳۵۵: ۳۸۷). همچنین ارباب کیخسرو در جنگ جهانی اول از طرف مستوفی‌الممالک دو مرتبه مأمور مذاکره با «کمیته دفاع ملی قم» شد و در جشن تاج‌گذاری احمدشاه قاجار، تشکیل مجلس مؤسسان و تاج‌گذاری رضاشاه پهلوی سرپرست مراسم و مخارج بود (اشیدری، ۱۳۵۵: ۳۸۸-۳۸۷). او همچنین در تصویب لوایح و قوانین کشوری دیدی ملی داشت و خواهان مساوات تمامی اهالی کشور در برابر قانون بود. برای مثال او در جریان تصویب قانون نظام اجباری سربازی در سال ۱۳۰۳ ش، اعلام کرد که همه اهالی ایران از جمله زرتشتیان باید به خدمت سربازی بروند. در ابتدا قرار بود فقط ایرانیان مسلمان به سربازی بروند. ارباب کیخسرو به عنوان یک زرتشتی، فعالیت‌های مذهبی نیز داشت. دو کتاب به نام‌های آینه آئین مزدیسنی (به فارسی سره) و کتاب دیگری به عنوان فروغ مزدیسنی را در شناساندن دیانت زرتشت تألیف کرد. این کتاب‌ها از نخستین کتاب‌های فارسی بودند که برای آموزش دین زرتشت در ایران نوشته شده و به‌طور عملی اندیشه‌های زرتشت را تفسیر و بیان می‌کردند. او از جمله کسانی بود که فارسی سره‌نویسی را در مجلس رواج داد و نامه‌نگاری در مجلس را به سوی فارسی‌نویسی برد. بنای عبادتگاه زرتشتیان تهران (آدریان) نیز از یادگارهای ارباب کیخسرو است. سرانجام ارباب کیخسرو شاهرخ در تیرماه ۱۳۱۹ ش، در تهران در جریان تصادف با اتومبیل جان خود را از دست داد.

## نتیجه‌گیری

در دوره قاجار، به ویژه از اواسط دوران ناصری، با حمایت پاریسیان هند زرتشتیان ایرانی توانستند به تدریج وارد امور کشوری شوند. ایجاد انجمن‌ها و مدارس زمینه پیشرفت اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را فراهم کرد. لغو جزیه که بار مالی بر دوش آن‌ها بود، باعث آرامش فکری و در نتیجه توجه آنان به امور اقتصادی گردید که این هم ایجاد تجارتخانه‌ها را به دنبال داشت. زرتشتیان تجارتخانه‌های مهمی چون جمشیدیان، جهانیان و یگانگی را پایه‌گذاری نمودند و در امور مختلفی از جمله زمینداری و بانکداری به فعالیت پرداختند. ارباب جمشید با استفاده از پشتوانه مالی خود توانست به عنوان نخستین نماینده زرتشتیان به مجلس شورای ملی راه یابد و بدین ترتیب بعد از گذشت چندین قرن جامعه زرتشتی ایران از انزوا بیرون آمد. همزمان تجارتخانه جهانیان در امور بانکی، تولیدی و عمرانی فعالیت داشت که سرمایه‌گذاری در شرکت تلفن ایران از جمله آن‌ها بود. قتل ارباب فریدون رئیس این تجارتخانه در تهران، به علت طرفداری از مشروطه‌خواهان، زمینه‌ای شد تا پس از قرن‌ها اعتماد دو طرفه‌ای بین مسلمانان و زرتشتیان پدید آید و زرتشتیان به عنوان بازماندگان نیاکان مورد احترام قرار گیرند.

بنیان تجارتخانه‌های یاد شده از پیشگامان ایجاد بانک ملی بودند و در پیش‌برد این هدف چشم به ثروت هم‌کیشان خود، یعنی پاریسیان داشتند؛ اما ترور یکی از زرتشتیان در یزد آن‌ها را این اقدام منصرف ساخت. به نظر می‌رسد تکیه تجارتخانه‌های زرتشتی بر بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی انگلیس

اشتباهی آشکار بود؛ چرا که این بانک‌ها نمی‌توانستند پیشرفت کار تجارتخانه‌های مذکور را تحمل کنند، بنابراین با در اختیار گرفتن اموال و زمین‌های دو تجارتخانه جهانیان و جمشیدیان در قبال بدهی‌شان عامل ورشکستگی آنان شدند. چنین می‌نماید که اگر این تجارتخانه‌ها می‌توانستند با پارسیان ثروتمند هند همکاری داشته باشند، وضعیت‌شان به مراتب بهتر از همکاری با بانک استقراضی روس بود؛ چرا که احتمالاً پارسیان هند به لحاظ مشترکات دینی از وارد آوردن ضربه به همکیشان ایرانی خود خودداری می‌کردند. از این رو به نظر می‌رسد عامل ورشکستگی تجارتخانه‌های زرتشتیان ایران علاوه بر عدم حمایت پارسیان هند، رقابت‌های دو بانک استقراضی و شاهنشاهی با تجارتخانه‌ها بود.

## منابع

### الف) اسناد

سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره: ۲۴۰۰۰۰۴۳۴.

سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره: ۳۶۰۰۰۷۷۷۷. *پیشگامان تاریخ و فرهنگ*

مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۲۹، کارتن ۵۴، پرونده ۲۲، برگ ۰۰۳ و ۰۰۲.

### ب) کتاب‌ها

اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجار*، تهران: زمینه.

اشیدری، جهانگیر (۱۳۵۵)، *تاریخ پهلوی و زرتشتیان*، تهران: ماهنامه هوخ.



امینی، تورج (۱۳۸۰)، *اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۲۵۸-۱۳۳۸ شمسی)*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

بهرامی، عبدالله (۱۳۶۳)، *خاطرات از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا*، تهران: علمی.

*تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران (۱۳۰۷-۱۳۳۷ ش)*، (۱۳۳۸)، تهران: بی نا.  
ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۴)، *تجار مشروطیت و دولت مدرن*، تهران: نشر تاریخ ایران.

تفرشی حسینی، سید احمد (۱۳۵۱)، *روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران؛ یادداشت های حاج میرزا سید احمد تفرشی حسینی در سال های ۱۳۲۱-۱۳۲۸ ق*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

تقی زاده، سید حسن (۱۳۳۶)، *زمینه انقلاب مشروطیت ایران، سه خطابه*، بی-جا: گام.

جکسن. ویلیامز (۱۳۵۲)، *سفرنامه جکسن*، ترجمه منوچهر امیری و فریون بدره-ای، تهران: خوارزمی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شهمردان، رشید (۱۳۶۳)، *تاریخ زرتشتیان (فرزانگان زرتشتی)*، تهران: فروهر.  
کاتوزیان تهرانی، محمدعلی (۱۳۷۹)، *مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: انتشار.

کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۶۲)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش سعیدی سرجانی، تهران: آگاه.

- کسروی، احمد (۱۳۸۴)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: نگاه.
- معتضد، خسرو (۱۳۶۶)، *حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران*، تهران: جانزاده.
- مغیث السلطنه، یوسف (۱۳۶۲)، *نامه‌های یوسف مغیث السلطنه*، به کوشش معصومه مافی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- مهر، فرهنگ (۱۳۴۸)، *زرتشتیان و نهضت مشروطیت*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

### ج) مقالات

- احتشامی، لطف‌الله (۱۳۷۹)، «تجارت در سرای مخلص بازار قدیمی اصفهان در دوره قاجاریه»، فصلنامه گنجینه اسناد، بهار و تابستان ۱۳۷۹، شماره ۳۷ و ۳۸.
- چهره نما (۱۳۸۵)، *تهیه و تنظیم عنایت‌الله رحمانی*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ج ۴.
- رعد، سال ششم، شماره ۵۱، ۲۲ صفر ۱۳۳۳، ۱۸ جدی ۱۲۹۲/ق ۱۹۱۵م.